

مجموعه مقالات فقه حکومتی  
گذار از نظام ریاستی به پارلمانی

نویسندگان:

جمعی از نویسندگان

www.ketab.ir

# مجموعه مقالات فقه حکومتی گذار از نظام ریاستی به پارلمانی

نویسندگان: جمعی از نویسندگان

ناظر علمی: دکتر محمد تقی دشتی. مدیر اجرایی: محمد قرائتی ستوده. ویراستار: محمد رضا منصفی

صفحه آرایی و طرح جلد: گروه فرهنگی هنری فانوس. انتشارات: مکت اندیشه. چاپ و صحافی: چاپخانه گاندی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۰۳-۲۵-۲۵. نوبت چاپ: ۱۳۹۹. شمارگان: ۲۰۰۰. قیمت: ۲۷,۰۰۰ تومان

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر برای مرکز پژوهشی مبنا (مؤسسه صراط مبین) محفوظ است.

عنوان و نام پدیدآور: مجموعه مقالات فقه حکومتی گذر از نظام ریاستی به پارلمانی/ نویسندگان جمعی از نویسندگان: ناظر علمی محمدتقی دشتی؛ ویراستار محمد رضا منصفی. مشخصات نشر: قم: مکت اندیشه، ۱۳۹۹. مشخصات ظاهری: ص. ۱۷۰. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۰۳-۲۵-۲۵. مشخصات فهرست نویسی: فیپا. یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۷-۱۷۰. موضوع: مجالس هفتنه -- ایران -- مقاله ها و خطابه ها. موضوع: Legislative Addresses, essays, lectures -- Iran -- bodies. موضوع: حکومت انتخابی -- ایران -- مقاله ها و خطابه ها. موضوع: Representative government and representation -- Iran -- Addresses, essays, lectures. موضوع: علوم سیاسی (فقه) -- مقاله ها و خطابه ها. موضوع: Political science (Islamic law) -- Addresses, essays, lectures. موضوع: اسلام و دولت -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴ -- مقاله ها و خطابه ها. موضوع: Islam and state -- Iran -- History -- Addresses, essays, lectures -- ۲۰th century. شناسه افزوده: دشتی، محمدتقی، ۱۳۵۲- رده بندی کنگره: JQ۱۷۸۷/۵. رده بندی دیویی: ۳۲۸/۵۵. شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۳۵۸۱

شبکه ارتباط با مخاطب

روابط عمومی (سفارش کتاب، پیشنهادات و انتقادات): محمد قرائتی ستوده ۰۲۵۳۲۹۰۶۴۰۵

دفتر مرکزی: قم - ۴۵ متری شهید صدوقی - کوچه ۵۶ - پلاک ۷۴ - تلفن: ۰۲۵۳۲۹۰۶۴۰۴

آدرس تارنما: [www.smhi.ir](http://www.smhi.ir) - [www.mabnarc.ir](http://www.mabnarc.ir)

پست الکترونیک: [info@smhi.ir](mailto:info@smhi.ir) - [info@mabnarc.ir](mailto:info@mabnarc.ir)



فهرست مطالب

- ۷ ظرفیت‌سنجی امکان به‌کارگیری پارلمان‌تاریسم در جمهوری اسلامی ایران
- ۳۵ مجلس شورای اسلامی، مجلس برنامه‌ریزی یا مجلس قانون‌گذار
- ۶۱ میزان انطباق نظام‌های پارلمانی، ریاستی و نیمه‌ریاستی با نظام ولایی
- ۸۹ بازیابی نظام سیاسی ایران در پرتو تعاریف کلاسیک و نوین از نظام نیمه‌ریاستی
- ۱۲۱ الگوی پارلمانی عقلانی‌شده؛ با نگاهی به حقوق اساسی ج.ا.ا
- ۱۴۵ تحلیل فقهی - حقوقی تأسیس نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران

## ظرفیت‌سنجی امکان به‌کارگیری پارلمان‌تاریسم در جمهوری اسلامی ایران

سید سجاد ایزدهی<sup>۱</sup>

### مقدمه

مقوله تفکیک قوا از جمله راهکارهای سیاسی سده‌های اخیر است که برای کنترل قدرت حاکمان پیشنهاد شده تا بتواند قدرت حاکمان را تحدید کند. بر اساس این راهکار، وظایف و اختیارات یک فرد (سلطان) که هم‌زمان وظیفه قانون‌گذاری، اجرای قانون و قضاوت را بر عهده داشت، بر عهده سه نهاد قرار داده شد تا ضمن این‌که از تمرکز و انباشت قدرت در یک فرد جلوگیری می‌کند و احتمال سوءاستفاده از امکانات در اختیار وی را کم می‌نماید، از اختیارات نهادهای موازی جهت نظارت و کنترل نهادهای دیگر استفاده کند.

برخی پیشینه تفکیک قوا به معنای اصطلاحی و رایج را به زمان ارسطو در قالب تقسیم وظایف حاکمان ارجاع داده‌اند (ارسطو، ۱۳۵۸، صص ۱۸۸-۱۸۷) و برخی آن را به جمشید، از شاهان ایران نسبت داده‌اند و نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر را دلیل بر سابقه آن در اسلام دانسته‌اند. (نائینی، ۱۳۶۱، صص ۱۰۲-۱۰۳) اما طرح نظریه تفکیک قوا در غرب، مدیون اندیشمندی فرانسوی به نام «منتسکیو»<sup>۲</sup> است که در مخالفت با نظام سیاسی پادشاهی و تمرکز همه قدرت

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی sajjadizady@yahoo.com

در یک فرد و برای تحدید و کنترل قدرت، این نظریه را طرح کرد. (منتسکیو، ۱۳۶۲، ص ۲۹۷)

نظرات منتسکیو در قرن های هفدهم و هجدهم میلادی تأثیر زیادی گذاشت و مقوله تفکیک قوا از این هنگام در قوانین اساسی بسیاری از کشورها گنجانده شد؛ برای مثال در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر فرانسه آمده است: «هر جامعه ای که حقوق افراد در آن تأمین نیست و تفکیک قوا مشخص نشده است، هرگز قانون اساسی ندارد». (رک: جعفری ندوشن، ۱۳۸۳، ص ۳۶)

نظریه تفکیک قوا عملاً در قالب شکل های متعددی از نظام سیاسی هویدا شد که به نوع تعامل قوای سه گانه و جایگاهشان نسبت به دیگری عنایت دارد و بر اساس آن برخی نظام ها، مطابق هنجارهای حاکم بر جامعه خویش، با قراردادن قوه مجریه در رأس نظام سیاسی، ساختار ریاستی اتخاذ کرده اند و برخی با قراردادن پارلمان در جایگاه محوری اداره نظام سیاسی، ساختار پارلمانی را برگزیده اند.

با وجود طرح مباحث متعددی در خصوص تفکیک قوا و کشمکش بر سر ساختار پارلمانی بر اساس رویکرد فقهی، هنوز بحثی در خصوص ظرفیت سنجی و امکان تحقق نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد فقهی صورت نگرفته است. از این رو مقاله پیش رو ظرفیت سنجی فقهی در این خصوص را به مثابه نوآوری این پژوهش انگاشته است.

### الف) قرائت های ساختاری نظام در تفکیک قوا

با وجود اشتراک نظریه تفکیک قوا در واگذاری اختیارات نظام سیاسی به سه قوه (مجریه، مقننه و قضائیه) و تخصصی بودن وظایف آن ها، و ضرورت استقلال هر قوه نسبت به دیگری، قرائت های متعددی از این نظریه ارائه شده است که به دلیل شیوه قرارگرفتن قوه مجریه و مقننه در جایگاه متفاوت و ترابط

متفاوت آن‌ها نسبت به هم، به ساختار متفاوتی برای نظام سیاسی انجامیده و کارکردهای متفاوتی برای پارلمان و قوه مجریه در هر کدام از این قرائت‌ها رقم زده است. چنین سامانی در قوا، به الزامات متفاوتی در نظام سیاسی چون: «گونه متفاوت اداره نظام سیاسی»، «کیفیت مشارکت سیاسی توده مردم و نخبگان»، «چگونگی نظارت بر کارگزاران» و «کارآمدی نظام سیاسی» منجر شده است. برخی از این قرائت‌ها در هر کشور و نظام سیاسی خاص، متناسب با پیش‌فرض‌ها و هنجارهای اساسی آن، با تنوع قرائت مواجه شده است که از آن میان می‌توان به نظام پارلمانی، نظام ریاستی و نظام نیمه‌ریاستی اشاره کرد.

### ۱. ساختار پارلمانی

ساختار پارلمانی به نوعی ساختار حکمرانی اطلاق می‌شود که حاکمیت ملی از سوی مردم و از طریق نمایندگان آن‌ها در پارلمان به قوه مجریه تفویض می‌شود. چون قوه مجریه، تابع قوه مقننه به‌شمار می‌رود و مشروعیت خود را وام‌دار آن است، طبیعتاً در برابر آن پاسخ‌گو نیز هست. براین اساس، ساختار پارلمانی حکومت از تفکیک نسبی قوا بهره‌مند است و سه قوه می‌توانند ضمن تأثیر و تأثر بر یکدیگر، نسبت به هم نفوذ و نظارت داشته باشند.

بر اساس ساختار پارلمانی، ریاست کشور و ریاست دولت برعهده دو شخص متفاوت است. در این حالت همچنان‌که رئیس کشور (رئیس‌جمهور، پادشاه یا ملکه) فاقد قدرت اجرایی است، مسئولیت قوه مجریه به نخست‌وزیر واگذار می‌شود. فرایند واگذاری قدرت به نخست‌وزیر نیز بدین‌گونه است که پس از تشکیل پارلمان به واسطه آرای مستقیم مردمی، رئیس کشور، فردی را به عنوان نخست‌وزیر به پارلمان معرفی می‌کند و او پس از رأی اعتماد اکثریت نمایندگان، اداره دولت را برعهده گرفته، با رأی اعتماد پارلمان به وزیران، هیئت دولت تشکیل می‌دهد. در این ساختار، ضمن این‌که وزرا از پارلمان رأی اعتماد می‌گیرند، به آن پاسخ‌گو هستند و پارلمان، حق سؤال و استیضاح نسبت

به نخست‌وزیر و وزیران را دارد. (عالم، ۱۳۷۳، صص ۳۲۸-۳۳۰) هیئت وزیران نیز حق پیشنهاد قوانین به پارلمان را دارد، همچنان‌که امکان انحلال پارلمان به واسطه پیشنهاد نخست‌وزیر وجود دارد و پارلمان نیز حق تحقیق و تفحص از امور کشور را دارد. (قاضی، ۱۳۸۰، [ج ۱]، صص ۳۳۷-۳۳۸)

کشورهای بسیاری از این ساختار قدرت در اداره کشور خویش بهره می‌گیرند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کشور انگلستان، لبنان و پاکستان اشاره کرد.

## ۲. ساختار ریاستی

در ساختار ریاستی، حاکمیت مردم در قالب انتخابات سراسری، در دو مرحله جهت تعیین پارلمان قانون‌گذاری و انتخاب رئیس‌جمهور به مثابه رئیس کشور و قوه مجریه، هویدا می‌شود؛ از این‌رو در آن تفکیک کامل قوا مورد عنایت قرار می‌گیرد و قوه مجریه به صورت مستقل از قوه مقننه عمل می‌کند. در این ساختار، همانند پارلمان که توسط رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود، رئیس‌جمهور به مثابه رئیس دولت و کشور با رأی مستقیم مردم، برای زمان محدودی انتخاب می‌شود. از همین‌روی، قدرت اجرایی رئیس‌جمهور، مقتد به اراده پارلمان نیست و از آزادی و اختیار گسترده‌ای در تعیین وزیران و معاونان خویش، برخوردار بوده، در سیاست‌گذاری‌های اداره کلان کشور سهیم است. (عالم، ۱۳۷۳، ص ۳۳۱) با این‌که رئیس‌جمهور، حق پیشنهاد قانون به پارلمان (در قالب ارائه لایحه) را ندارد، قدرت اجرایی فراگیر وی باعث می‌شود، پارلمان در انتخاب وزیران دخالتی نداشته باشد و وزیران نیز مسئولیت سیاسی در برابر پارلمان و نمایندگان آن ندارند؛ از این‌رو پارلمان، قدرت استیضاح وزیران را ندارد و نمی‌تواند وزیران را با رأی عدم اعتماد برکنار کند. (قاضی، ۱۳۸۰، [ج ۱]، ص ۳۵۶) از مهم‌ترین کشورهایی که براساس ساختار نظام ریاستی اداره می‌شود، می‌توان به کشور آمریکا، آرژانتین و ترکیه اشاره کرد.

### ۳. ساختار نیمه ریاستی

برخلاف دو ساختار ریاستی و پارلمانی، نظام نیمه ریاستی، تلفیقی از دو نظام فوق بوده، از برخی از ویژگی‌های آن دو برخوردار است. در این ساختار، ضمن این که حاکمیت ملی مردم، در دو مرحله و در قالب انتخاب نمایندگان پارلمان و انتخاب رئیس جمهور جلوه می‌کند، رئیس جمهور، با کسب رأی اکثریت مردم، ریاست کشور را بر عهده دارد و فاقد مسئولیت سیاسی در برابر پارلمان است. اما مثل نظام‌های پارلمانی، وزیران پیشنهادی از سوی رئیس جمهور، با کسب رأی اعتماد از پارلمان، رسمیت یافته و ضمن این که به رئیس جمهور یا رئیس دولت پاسخگو هستند، باید در برابر پارلمان نیز در سیاست‌ها و فعالیت‌های خود و وزارت متبوعه خویش پاسخگو باشند. از این روی، پارلمان قادر است با رأی عدم اعتماد، وزرا را عزل کند و حتی با استیضاح رئیس جمهور، زمینه عزل وی را فراهم نمایند. (قاضی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶)

در این ساختار از نظام سیاسی، (مانند ساختار پارلمانی) ریاست کشور از ریاست دولت تفکیک شده و بر عهده دو شخص نهاده شده است و نخست وزیر، دارای وظیفه اداره هیئت دولت و قوه مجریه است، اما رئیس جمهور، رویکرد تشریفاتی ندارد، بلکه از اختیارات فراگیری برخوردار است. از جمله مهم ترین کشورهای که از این ساختار قدرت سیاسی، در اداره کشور خویش بهره می‌گیرند، می‌توان به کشور فرانسه اشاره کرد که برای حل مشکل سرنگونی پارلمان توسط دولت‌ها، از ساختار پارلمانی به ساختار نیمه ریاستی عدول کرد. ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران را نیز می‌توان به ساختار نیمه ریاستی شبیه تر دانست؛ گرچه ریاست کشور در این ساختار، بر عهده ولی فقیه بوده و مسئولیت قانون اساسی بر عهده رئیس جمهور نهاده شده است. جایگاه نخست وزیر هم در قانون اساسی اصلاحی سال ۱۳۶۸، از ساختار قدرت حذف شده و ریاست دولت بر عهده رئیس جمهور نهاده شده است. (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶)



### ب) پیشینه پارلمانتاریسم در فقه شیعه

تفکیک قوا به اندیشه‌های افلاطون و ارسطو در یونان باستان، مستند است و براساس آن افلاطون با تقسیم وظایف کارگزاران نظام، گروهی را برای وضع قانون، گروهی را برای پاسداشت آن در اداره شهر و امور لشکری و گروهی را به جهت دادرسی در نظر گرفته است (افلاطون، ۱۳۸۰، [ج ۴]، ص ۱۲)، اما بعضی ارسطو را نخستین بنیان‌گذار تفکیک قوا در یونان باستان دانسته‌اند، زیرا وی برای هر حکومت، سه قدرت فرض کرده است: «قدرت تأمل و مشورت دربارهٔ مصالح عامه»، «قدرت فرمانروایی» و «قدرت دادرسی» (ارسطو، ۱۳۵۸، ص ۲۳).

دیدگاه اندیشمندان یونان باستان در تفکیک قوا، ناظر به توزیع قدرت و اختیارات از جانب حاکم (سلطان) به کارگزارانی معین در قالب امور تخصصی است، دیدگاه اندیشمندان قرن هفدهم و هیجدهم چون «منتسکیو» در تفکیک قوا، ناظر به تقسیم قدرت در قرون وسطا بین دولت و کلیسا بوده و در تقابل با استبداد و ظلم ناشی از تمرکز قوای سه‌گانه (تقنین، اجرا و قضا) در دست یک فرد بوده است که نه به خاستگاه استناد به کلیسا، نژاد، شرافت خانوادگی یا... بلکه به رأی و نظر مردم، مستند است. از این رو با وجود شباهت ظاهری دیدگاه ارسطو با اندیشمندی چون منتسکیو، این دو دیدگاه را باید در تفاوت محوری، غایی و ساختاری معنا کرد.

با این‌که مقوله تفکیک قوا، منتسب به دیدگاه فقیهان معاصر غرب بوده و پیش از آن اثری از این نظریه در نظام‌های سیاسی نبوده است، کتب فقیهان پیشین شیعه، در مورد این نظریه ساکت بوده و می‌توان علامه نائینی را اولین فقیهی دانست که در عصر مشروطه، ذیل کتاب تنبیه‌الأمه، به تبعیت از دیدگاه عبدالرحمن کواکبی، در کتاب طبایع الاستبداد (کواکبی، ۱۳۶۴، صص ۱۵۵-۱۵۶) راهکارهایی مثل تفکیک قوا را در راستای مشروط‌کردن قدرت سیاسی حاکمان جائز و نظارت ساختاری بر رفتار آنان، ارائه می‌دهد. از این رو وی بر این باور قرار

گرفت که «با دسترسی نبودن به آن دامان مبارك» (نائینی، ۱۳۶۱، ص ۱۳) و در نتیجه در بین نبودن قوه عاصمه عصمت، قدر مقدور از محدودیت می‌بایست جانشین آن شود که «این جانشینی به همین تجزیه قوای مملکت» (همان، ص ۵۹) است. به وسیله «تجزیه قوای مملکت و قصر شغل متصدیان» (همان) است که می‌توان قدرت مطلقه پادشاه را مشروط کرد. گرچه دیدگاه ایشان در خصوص تفکیک قوا نیز نه تفکیک قوا به معنای مصطلح، بلکه تقسیم و توزیع قواست که در راستای کارکرد تخصصی کارگزاران صورت می‌پذیرد و مانع دخالت هر نهادی در وظایف نهادهای دیگر می‌شود. (ایزدهی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۶)

از نظر مرحوم نائینی «از وظایف لازمه سیاسیة، تجزیه قوای مملکت است که هر يك از شعب و طایف نوعیه را تحت ضابط و قانون صحیح علمی منضبط نموده، اقامه آن را با مراقبه کامله در عدم تجاوز از وظیفه مقرر به عهده کفایت و درایت مجربین در آن شعبه سپارند». (نائینی، ۱۳۶۱، ص ۱۰۲) براین اساس، ایشان تفکیک قوا را نه به اندیشمندان یونان باستان، بلکه به پادشاهان فارس و امیرالمؤمنین علیه السلام منسوب دانسته است: «اصل این تجزیه را مورخین از جمشید دانسته‌اند. حضرت سید اوصیاء علیه افضل الصلوة والسلام هم در طی فرمان تفویض ولایت مصر به مالک اشتر امضا فرموده است». (همان، ص ۱۰۲-۱۰۳)

با تحقق جمهوری اسلامی و ضرورت اداره جامعه بر اساس ساختاری روزآمد، و هم‌زمان پس از تدوین قانون اساسی، فقیهان بسیاری با عنایت به ضرورت ارائه ساختاری کارآمد برای اداره جامعه سیاسی، بحث تفکیک قوا را در کانون توجه قرار دادند که از آن میان می‌توان به امام خمینی اشاره کرد. ایشان در راستای معنابخشی به تفکیک قوا در قالب توزیع و تفویض قوا از جانب حاکم به افراد متخصص، سیره مستمره را مؤیدی بر این مدعا دانسته است. (خمینی،

دیدگاه ایشان در خصوص تفکیک قوا چنان است که باید با توجه به توزیع قوای سه‌گانه از سوی حاکم، آن را بر عهده متخصصان عرصه‌های مختلف سپرد و استقلال این قوا و عدم دخالت آن‌ها در وظایف قوای دیگر را در وظایفشان ارزیابی کرد: «فقط سعی کنند هر یک وظیفه خویش را خوب انجام دهند و در محدوده وظیفه قوای دیگر داخل نشوند تا استقلال هیچ‌یک از قوا خدشه دار نشود... این قوا... مستقل و مجزا هستند و هر کدام باید کار خودشان را انجام بدهند». (خمینی، ۱۳۷۸، [ج ۱۳]، ص ۱۱۷)

برخی فقیهان دیگر نیز در بررسی این نظریه، تفکیک قوا را ضرورتی روزآمد در اداره مطلوب نظام سیاسی، اعلام کرده، استناد آن به فرهنگ غرب را نافی امکان استناد آن به مذهب شیعه ندانسته‌اند: «چیزهایی که مربوط به غرب است و در آنجا عمل می‌شود، وقتی هیچ منافاتی با اسلام و مذهب شیعه نداشته باشد، چه اشکال دارد ما هم به آنها عمل کنیم؟ الان تمام دنیا بر این اساس مملکتشان را اداره می‌کنند». (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۲)؛ «هر کشور و هر مملکتی ناگزیر از داشتن سه قوه است و چاره‌ای از آن نیست». (همان، ص ۸)

### ج) امکان استناد پارلمانتاریسم به فقه شیعه

مقوله تفکیک قوا و به تبع، ساختار پارلمانی، مستند به جوامع مدرن بوده و محتوای دیدگاه اندیشمندان غربی و مسلمان، (اعم از شیعه و سنی) در گذشته، بر عدم صحت جریان پارلمانی در ساختار قدرت سیاسی حکایت می‌کند؛ از این رو ادله دال بر جواز یا عدم جواز ساختار پارلمانی در نظام سیاسی، به مبانی فقه سیاسی شیعه، اختصاص نداشته و می‌توان به مبانی اندیشه‌گران غربی یا مبانی فقه اهل سنت نیز اشاره کرد. از آنجاکه این پژوهش با محوریت فقه سیاسی شیعه و در محدوده جغرافیایی کشور جمهوری اسلامی ایران نگاشته می‌شود، رویکرد ایجابی و سلبی در خصوص ادله مرتبط با تفکیک قوا و ساختار

پارلمانی، با محوریت دیدگاه شیعی و فقه سیاسی صورت می‌پذیرد:

### ۱.۱. ادله سلبی

در نظام‌های سیاسی جهان، مردم عمدتاً در راستای تفکیک قوا و واگذاری هر قوه به متخصصان آن، هر بخشی از قوا را به گروهی خاص واگذار می‌کنند و مثلثی از سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه بر مردم حکم می‌رانند و هریک نیز مشروعیت خود را (به صورت مستقیم یا به واسطه) از مردم کسب می‌کنند. از اساسی‌ترین تفاوت‌های نظام سیاسی شیعه با سایر نظام‌ها این است که شیعه، حق حاکمیت سیاسی را در گرو انتصاب الهی قرار داده، حال آن‌که در نظام‌های مادی، این امر به انتخاب مردم وابستگی دارد. براین اساس، از آنجاکه مشروعیت نظام سیاسی شیعه، وابسته به مشروعیت حاکم (و نه مجموعه سه نهاد) است، حاکم، به مثابه محور نظام یا به عنوان رشته پیونددهنده بین مهره‌ها (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶) یا محور سنگ آسیاب لحاظ شده است. (همان، خطبه ۳) همچنین ادله دال بر محوریت امام معصوم علیه السلام یا نایبان ایشان (در قالب ولایت فقیه)، به مثابه حاکم، در رأس نظام اسلامی، نیز بر عدم جواز محوریت قوای منتخب مردمی در رأس نظام سیاسی، دلالت می‌کنند.

براین اساس، چه در ساختار پارلمانی که قوه مقننه به مثابه نمایندگان مستقیم مردم در رأس نظام سیاسی قرار داشته و چه در ساختار ریاستی که رئیس‌جمهور به مثابه منتخب مستقیم مردم، ریاست کشور و قوه مجریه را برعهده دارد و چه در نظام نیمه ریاستی که اداره نظام سیاسی برعهده تلفیقی از قوه مجریه و پارلمان است، ریاست بر جامعه برعهده منتخبین مردم بوده و حکم به زعامت و ریاست فردی که از جانب خداوند بدین منصب گمارده شده باشد، منتفی خواهد بود.